

شفاف سازی نظریه گرایش های ریخت شکنانه برمن در ترجمه قرآن (مطالعه موردی: ترجمه سوره بقره حسین انصاریان)

ابراهیم نامداری^۱ (دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران)
عسگر بابازاده اقدم^۲ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران)
ایوب امرائی^۳ (دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران)
نسرین رضائزادی (کارشناسی ارشد ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور)

DOI: [10.22034/jilr.2025.141520.1176](https://doi.org/10.22034/jilr.2025.141520.1176)



تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۶/۱۳

تاریخ القبول: ۲۰۲۵/۰۲/۲۷

صفحات: ۱۱۵-۱۴۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

چکیده

ترجمه فرآیندی مهم و اساسی در عصر امروز محسوب می شود و عبارت است از یافتن کلمات هم ارز زبان مقصد برای کلمات زبان منبع در متن اصلی و البته گاهی نیز در آن به یافتن معادل هایی جهت انتقال مفهوم کلی سخن اکتفا می شود؛ بنابراین مترجم بایستی کلمات و زمینه ترجمه را ارزیابی کرده و بهترین کلمات هم ارز را پشت سرهم بچیند. علاوه بر این، شیوه چیدن و ترکیب کلمات برای ایجاد معنی معادل از یک زبان به زبان دیگر متفاوت است و گاهی ترجمه کلمات به توالی ظاهر شده در متن منبع ممکن است در زبان مقصد بی معنی شود. یکی از مسائلی که بعد از ترجمه اهمیت دارد، نقد ترجمه است که بسیار ضروری به نظر می رسد. در این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی ترجمه استاد حسین انصاریان از سوره بقره و شفاف سازی آن با استناد به نظریه گرایش های ریخت شکنانه «آنتوان برمن» پرداخته شد و چنین استنتاج گشت که وی به چهار مؤلفه «عقلایی سازی»، «شفاف سازی»، «طنباب» و «تفاخرگرایی» توجه داشته و ترجمه خود را با این رویکرد ارائه داده و تا حد بسیار زیادی نیز مقید به متن مبدأ است.

واژگان کلیدی: سوره بقره، نقد ترجمه، نظریه آنتوان برمن، شفاف سازی، حسین انصاریان

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: enamdari@abru.ac.ir

^۲ پست الکترونیک: askar.babazadeh@gmail.com

^۳ پست الکترونیک: a.amraei@abru.ac.ir

الشفاف فی ضوء نظرية النزعات التشويهيّة لآنتوان برمن في ترجمة القرآن (دراسة حالة: ترجمة حسين أنصاريان لسورة البقرة)

الملخص

تعدّ الترجمة في العصر الحاضر عمليةً أساسيةً ومهمة، وهي تتمثّل في إيجاد الكلمات المماثلة في اللغة الهدف لما يقابلها في اللغة المصدر ضمن النص الأصلي، وقد يكتفي فيها أحياناً بالبحث عن معادل ينقل المضمون الكلّي للكلام. لذلك يتعيّن على المترجم تقييم الكلمات وسياق الترجمة، ثم اختيار أفضل المقابلات اللغوية وترتيبها على نحو مناسب. وإضافة إلى ذلك، فإن طريقة ترتيب الكلمات وبنائها لإنتاج معنى مكافئ من لغة إلى أخرى تختلف من نظام لغوي إلى آخر، وقد يؤدّي نقل الكلمات وفق ترتيبها في النص المصدر إلى نصّ غير مفهوم في اللغة الهدف. ومن القضايا المهمّة بعد عملية الترجمة مسألة نقد الترجمة، لما لها من ضرورة كبيرة في تقييم العمل المترجم. وفي هذا البحث، ووفق منهج نوعي وبطريقة وصفية تحليلية، وبالاعتماد على المصادر المكتبية، تمت دراسة ترجمة الأستاذ حسين أنصاريان لسورة البقرة وبيان آليات "الشفاف" فيها استناداً إلى نظرية النزعات التشويهيّة لآنتوان برمن. وقد خلص البحث إلى أنّ المترجم قد أولى اهتماماً لأربعة مكوّنات هي: العقلنة، الشفاف، الإطناب، والنزعة التفاخريّة، وأنه قدّم ترجمته وفق هذا المنظور، مع التزام كبير بالنصّ الأصلي.

الكلمات المفتاحية: سورة البقرة، نقد الترجمة، نظرية آنتوان برمن، الشفاف، حسين أنصاريان

مقدمه

ترجمه عبارت است از عمل تغییر یک متن یا گفتار از یک زبان به زبان دیگر. قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است اما در صورت ترجمه برای همه انسان‌ها با هر زبانی قابل استفاده است؛ از این رو، فارسی زبانان برای استفاده از معارف قرآن، ناچار باید آیات آن را به زبان خود ترجمه کنند. با توجه به اهمیت قرآن و غیرقابل تحریف بودن آیات آن، باید در ترجمه نهایت دقت را برای انتقال درست مفاهیم به کار برد و اصولی را در آن رعایت کرد. «دانش زبان مبدأ و مقصد، و شناخت ویژگی‌های هر دو زبان، ابزار ترجمه یک اثر به زبانی دیگر است. در خصوص ترجمه قرآن به زبان فارسی، دانش ادب عرب و شناخت معانی واژه‌ها و قواعد زبان فارسی، ابزار ترجمه قرآن است» (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۸). با توجه به ظرافت‌های متن مقدس قرآن کریم برخی از نظریه پردازان ترجمه برآنند که ترجمه‌های مقصدگرا از کارایی لازم در ترجمه متون مقدس، برخوردار نیستند؛ لذا مترجم چاره‌ای جز این ندارد که به رویکرد مبدأگرا در ترجمه قرآن، روی آورد چراکه «در این شیوه از ترجمه اصالت به متن اصلی داده می شود و مترجم تلاش می کند تا آن جا که امکان آن فراهم باشد، ویژگی‌های زبانی، بدیعی، بلاغی و معنایی متن مبدأ را به متن مقصد انتقال دهد» (غضنفری، ۱۳۸۹: ۷۴). یکی از نظریه‌های نقد و ارزیابی ترجمه با تکیه بر متن مبدأ، نظریه آنتوان برمن فرانسوی است. نقد ترجمه یعنی با نگاه جامع و مانع به ابعاد گوناگون ترجمه نگریستن. هر چند دامنه نقد ترجمه گسترده و نامحدود است و نمی‌توان آن را در چارچوبی کامل قرار داد، مبانی، اصول و معیارهایی دارد. در ارزش و اعتبار نقد ترجمه نباید هیچ گونه تردیدی به دل راه داد؛ نقد ترجمه اگر بدون غرض و کینه و با توجه به اصول و چارچوب‌های درست آن به درستی انجام گیرد و مبتنی بر علم و آگاهی باشد موجب تحولی شگرف و پیشرفتی چشمگیر می‌شود. یکی از هدف‌های نقد ترجمه این است که جامعه متوجه این موضوع شود که مترجمی، کاری دشوار و پیچیده است و باید نشان داده شود که آیا مترجم به اهداف خود رسیده است یا نه؟ طبیعی است منتقد بهترین گزینه برای بررسی، نقد و نظریه‌پردازی در زمینه ترجمه‌ها است (تقیه، ۱۳۸۴: ۵۲). هرچند، «ترجمه در جایگاه متن مقصد، گویی، هستی مستقلی ندارد، اما در ادبیات زبان مقصد می‌تواند دارنده هویت و هستی باشد» (افروز، ۱۳۹۹: ۹). در این پژوهش، با ملاحظه نگرش‌های آنتوان برمن، ترجمه قرآن انصاریان مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجاییکه ترجمه قرآن وی زبانی روان، رسا و متناسب با نسل امروز دارد و مترجم تلاش زیادی برای انتقال دقیق معانی و مفاهیم مبذول داشته است، جهت ارزیابی انتخاب شده است. برای نمونه در این نوشتار، سوره بقره بر اساس چهار مؤلفه «عقلایی‌سازی»، «شفاف‌سازی»، «اطناب» و «تفاخرگرایی» بررسی می‌شود. شایان ذکر است که نقد ترجمه‌های صورت گرفته اگر از خود ترجمه با اهمیت‌تر نباشد، کمتر از آن هم نیست؛ بنابراین

ضروری است که با توجه به رویکردهای مطرح شده برای نقد و شفاف‌سازی ترجمه‌ها، مزایا و معایب آن‌ها را متذکر شد. در نتیجه پژوهش حاضر با رهیافت توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه-ای، تلاش می‌کند تا بسامد مؤلفه‌های مطرح شده در این نظریه و نیز میزان پایبندی وی به متن در ترازوی نقد و بررسی قرار گیرد.

سؤالات تحقیق

۱. نمود مؤلفه‌های نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» در ترجمه سوره بقره از انصاریان چگونه ارزیابی می‌شود؟
۲. التزام انصاریان به متن قرآن کریم در ترجمه سوره بقره چگونه است؟
۳. گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن چگونه در ترجمه سوره بقره نمود پیدا کرده است؟

فرضیات تحقیق

برای پاسخ دادن به سؤالات فوق و بررسی ترجمه سوره بقره از انصاریان بر اساس نظریه مذکور، فرض بر آن است که:

۱. انصاریان در ترجمه سوره بقره تا حد زیادی پایبند متن بوده و ضمن اینکه ارتباط بین لفظ و معنی را هم در نظر داشته است که تأثیر مثبتی در برداشت معنای آیات دارد.
۲. التزام انصاریان در ترجمه وی از سوره بقره سبب شده است تا ساختار معنایی و زیبایی شناختی آیات حفظ شود.
۳. گرایش‌های ریخت‌شکنانه برمن در ترجمه انصاریان، باعث فهم معانی عمیق و زیباتری در برخی آیات شده است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع پژوهش حاضر یعنی نقد ترجمه قرآن حسین انصاریان و پژوهش‌هایی که به صورت اختصاصی بر اساس نظریه ریخت‌شکنانه برمن به نقد ترجمه پرداخته است می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن» (۱۳۹۴) از دلشاد و دیگران که ترجمه شهیدی از نهج البلاغه را بر اساس چهار مؤلفه عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب‌سازی و آراسته‌سازی، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که ترجمه شهیدی، مبدأگراست که کمتر دچار تحریف متن شده است. مقاله «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی بر اساس نظریه آنتوان برمن» (مطالعه موردی کتاب الجلستان الفارسی اثر جبرائیل المخلّع) (۱۳۹۵) از افضلی و ویوسفی که ترجمه گلستان به

عربی را بر اساس هفت مؤلفه عقلایی سازی، شفاف سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، شبکه های معنایی زیرین متن، غنازدایی کیفی و کمی، بررسی نموده و ماحصلش اینست که در ترجمه عربی گلستان، انحراف از متن مبدأ وجود دارد چراکه مترجم با زبان فارسی نا آشنا بوده است. مقاله «واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت های رضوی بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن» (۱۳۹۶) از مسبوق و گلزار خجسته که نویسندگان بر اساس هفت مؤلفه عقلایی سازی، شفاف سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی و تخریب ضرب آهنگ متن به بررسی ترجمه مترجم پرداخته اند و حاصل پژوهش آن که مؤلفه اطناب کلام از پرسامدترین عوامل تحریف متن ترجمه پورعبادی بوده است. همچنین مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجاده بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)» (۱۳۹۶) از فرهادی و همکاران که به دو محور اطناب و توضیح در ترجمه انصاریان از صحیفه سجاده می پردازند. مقاله «گرایش های ریخت شکنانه در ترجمه داریوش شاهین از نامه سی و یکم نهج البلاغه با تکیه بر نظریه آنتوان برمن» (۱۳۹۷) نوشته محمد رحیمی خویگانی که با هدف مقابله متن مبدأ و مقصد بر اساس مؤلفه های تحریف متن برمن به بررسی ترجمه نامه ۳۱ نهج البلاغه از داریوش شاهین، پرداخته است. مقاله «نقد و بررسی ترجمه قرآن حسین انصاریان» (۱۳۹۷) از علیرضا طیبی و سید مجید نبوی، در مجله أحسن الحديث شماره ۵؛ ضمن بررسی اشکالات صرفی و نحوی ترجمه انصاریان، معادل های صحیح آن ها بیان شده است. مقاله «ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار مولانا براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: کتاب مختارات من دیوان شمس الدین تبریزی اثر ابراهیم الدسوقی شتا)» (۱۳۹۸) از افضلی و داتوبر؛ نویسندگان در این پژوهش بر اساس هفت مورد از عوامل تحریف متن برمن را بررسی کرده اند از جمله: عقلایی سازی، واضح سازی، اطناب کلام، آراسته سازی، تخریب سامانه زبانی و غنازدایی کمی و کیفی، و بدین نتیجه رسیده اند که علت اصلی انحراف ترجمه به نا آشنایی مترجم با زبان فارسی و تمایز ساختارهای دستوری زبان فارسی با عربی و ... بر می گردد. مقاله «بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه شفاف سازی الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: مورد پژوهی ترجمه رضایی اصفهانی» (۱۳۹۸) از نیازی و هاشمی به بررسی ترجمه سوره های انفال، توبه، احزاب، حجرات و تحریم بر اساس سیستم تحریف متن برمن پرداخته و بر آن است تا کارآمدی این الگو را در ارزیابی ترجمه قرآن بر پایه مؤلفه شفاف سازی در ترجمه رضایی اصفهانی، بررسی نماید. مقالات دیگری هم بر اساس مؤلفه های تحریف متن آنتوان برمن به نقد و بررسی ترجمه آثار پرداخته اند که صرفا به عناوین آنها اشاره می شود: مقاله «مفهوم عرفانی کنایه در ترجمه عربی عمر شبلی از دیوان حافظ براساس نظریه آنتوان برمن» (۱۳۹۸) از قربان زاده و احمدی. مقاله «ارزیابی شگردهای ترجمه طاهره صفارزاده برپایه عوامل تحریف متن آنتوان برمن؛ مطالعه موردی:

سوره مبارکه نساء» (۱۳۹۹) نوشته‌ی افضلی و ثنائی. همانطور که مشاهده می‌شود هیچ یک از پژوهش‌های مذکور به بررسی نظریه‌گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» در ترجمه‌ی سوره بقره از استاد حسین انصاریان پرداخته‌اند؛ جز اینکه کاکاوندی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه قرآن طاهره صفار زاده وحسین انصاریان بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن (مطالعه موردپژوهانه در سوره بقره)» بیشتر به بررسی تطبیقی دو ترجمه پرداخته‌اند؛ خاطر نشان می‌شود که نمونه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر کاملاً با مقاله مذکور متفاوت است؛ هرچند عناوین شبیه هم است، به عنوان مثال در مؤلفه عقلایی سازی در مقاله حاضر نویسندگان به آیات ۴، ۶، ۵۵، ۶۳، ۱۴۶ و ۱۶۳ می‌پردازند؛ در حالیکه کاکاوندی و دیگران در پژوهش خود زیر عنوان عقلایی سازی به آیات ۷، ۲۵، ۳۱، ۴۱، ۴۵، ۵۷ و ۷۴ پرداخته‌اند و همین امر وجه تمایز مقاله حاضر از پژوهش‌های مذکور است و نشان از ریزبینی پژوهش در کشف نمونه‌های دیگر از مؤلفه‌های برمن در ترجمه انصاریان دارد.

برای نقد ترجمه، نظریات مختلفی مطرح شده است که یکی از آن‌ها نظریه‌گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن می‌باشد، در ادامه پس از معرفی این نظریه، به شفاف‌سازی ترجمه انصاریان از سوره بقره پرداخته شده است.

نظریه‌گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن»

آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ نگار ترجمه است. وی تحت تأثیر فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین و هانری مشونیک، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد. نقد ترجمه آن گونه که برمن ارائه می‌کند، حاصل خوانش و تفکر و به نقد ادبی بسیار نزدیک است. محور دیدگاه ترجمه شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری، است و به این دلیل با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد را در کار ترجمه مورد انتقاد و سنجش قرار می‌دهد. وی هرگونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از جمله عوامل تحریف متن بر می‌شمارد (افضلی و داتوبر، ۱۳۹۸: ۱۲). این سامانه از سیزده عامل تشکیل می‌شود که عبارتند از: عقلایی سازی، شفاف سازی، اطناب کلام، تفاخرگرایی، غنازدایی کیفی، غنازدایی کمی، تفاخر-گرایی، همگون سازی متن، تخریب ضرب آهنگ، تخریب شبکه‌های معنایی پنهان در متن، تخریب یا بومی سازی شبکه های زبانی زبان‌های محلی، تخریب سامانه زبانی و تخریب اصطلاحات.

«آنتوان برمن» نظریه‌های ترجمه متفاوتی را ارائه داده که در اکثر آن‌ها از مترجمان می‌خواهد، از عناصر عجیب و غریب در ترجمه‌های خود استفاده نکنند. به اعتقاد وی از رهگذر ترجمه می‌توان زبان مقصد را غنی سازی کرد. وی می‌گوید فرهنگ به وسیله زبان محصور شده و باید به آن احترام

گذاشت یا به آن پر و بال داد، نه این که به وسیله گرافه‌گویی ترجمه را دستخوش تغییرات عظیمی کرد. «برمن» در نظریه‌های ترجمه خود از «گرایش به تغییر» سخن می‌گوید که باور دارد، این گرایش‌ها تا حدودی بیشتر یا کمتر اجتناب‌ناپذیر هستند اما باید توسط مترجم کاهش پیدا کند. «آنتوان برمن» که پژوهش‌هایش بیشتر روی ترجمه ادبی است در ترجمه به متن مبدأ گرایش دارد و اعتقاد دارد که مترجم نباید اثر اصلی را با ترجمه از رنگ و بو و ویژگی‌های اصلی خود دور کند. در همین راستا، وی در بررسی خود چند مورد از مشکلاتی را مطرح می‌کند که ممکن است در ترجمه ادبی و به‌خصوص در ترجمه رمان اتفاق بیفتد و آن‌ها را گرایش‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه می‌نامد. مهمترین این موارد عبارتند از: ۱- منطقی‌سازی، ۲- شفاف‌سازی، ۳- اطناب، ۴- تفاخرگرایی. باید این نکته را در نظر داشت که آشنایی‌زدایی مزبور در نهایت روانی متن ترجمه را به هم خواهد زد؛ روانی که باعث فرهنگ‌پذیری می‌شود و این فرآیند متن بیگانه را بومی می‌سازد (هولمز و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰). «پیم» پژوهشگر ترجمه و مطالعات بینافرهنگی این دیدگاه اخلاقی وی را بسیار تصنعی و ایده‌آل می‌داند و اعتقاد دارد که برمن با برتر شمردن زبان مبدأ «بر یک علت اولیه ذهنی تأکید می‌کند تا سایر علل لازم دور و نزدیک برای وجود ترجمه را مسکوت بگذارد. نه مشتری، نه کسب و کار، نه خواننده؛ همه چیز به برتر شمردن مبدأ برمی‌گردد و هیچ‌گونه بافتار واقعی در کار نیست» (پیم، ۱۳۹۶: ۹۲)؛ البته می‌توان گفت از آن روی که «احتمالاً ترجمه غیرادبی، وفاداری بیشتری به بافت مقصد و ترجمه ادبی و وفاداری بیشتری به بافت مبدأ نشان می‌دهد» (بوزبائر، ۱۳۹۷: ۸۹) بررسی این نکته که یک ترجمه ادبی تا چه حد توانسته برآورنده این مطلب باشد، حائز اهمیت خواهد بود. با بررسی نظریه برمن و یافتن مصادیقی در ترجمه بین دو زبان عربی و فارسی می‌توان هرچه بیشتر میزان جهانی بودن این قواعد و تغییرات حاصله را دریافت. جهانی‌های ترجمه قاعده‌مندی‌های تکرار شدنی، هنجارها و قوانینی هستند که می‌توان در ترجمه‌ها آن‌ها را یافت (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶: ۴۲۹؛ هاوس، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

از نظر آنتوان برمن «ترجمه بد، ترجمه‌ای است که معمولاً به بهانه انتقال پذیری، به انکار نظام-مند غرابت اثر بیگانه می‌پردازد» اما «ترجمه تنها یک میانجی‌گری صرف نیست، بلکه فرآیندی است که در آن رابطه ما با دیگری در میان است.» (احمدی، ۱۳۹۲: ۴). نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن نظریه‌ای است با ساختار درونی منسجم و مستحکم و در عین حال اندیشیده شده و پخته. هدف انتقاد کردن از آن دسته رویکردهایی در ترجمه است که با نادیده گرفتن «دیگری»، فرهنگ و زبان وی در متن بیگانه سعی در ارائه ترجمه‌های قوم‌محور و معطوف به خواننده دارند. برمن معتقد است که نظریه وی جهان‌شمول بوده و قابلیت کاربرد در همه زبان‌ها را دارد (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۲).

مؤلفه‌های نظریه ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن»

در این بخش از مقاله، ضمن معرفی هر یک از مؤلفه‌های نظریه ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن»، برای بررسی انطباق داشتن یا نداشتن این موارد با ترجمه سوره بقره از استاد انصاریان، نمونه‌هایی ذکر و بررسی شده است.

عقلایی‌سازی^۱

عقلایی‌سازی نظریه آنتوان برمن رویکردی است که به کمک آن می‌توان نظریه‌های پیچیده و غالباً انتزاعی را به شیوه‌ای قابل فهم و عملیاتی تبدیل کرد. برمن با تأکید بر نقش ترجمه به عنوان یک فعالیت فرهنگی و اجتماعی، نظریه‌های خود را در زمینه‌های گوناگون ادبیات و زبان‌شناسی ارائه می‌دهد. این مؤلفه در وهله اول به ساخت ترکیبی متن مبدأ توجه دارد و علاوه بر آن به نشانه‌های وقف و ویرگول و نقطه و... که از عناصر دقیق داخل در متن به حساب می‌آیند اهتمام دارد. «عقلایی‌سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت‌گذاری متن مبدأ مربوط می‌شود. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد. برمن معتقد است که نثر از قبیل رمان، رساله و... به دلیل برخورداری از تکرار، تعدد جملات موصولی و معترضه، جملات بلند و جملات بدون فعل، ساختاری شاخه‌شاخه دارد و مترجم با عقلایی‌سازی، این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختار خطی تبدیل می‌کند؛ به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل‌اند، فعل می‌آورد. جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات را می‌شکند و یا جملات معترضه را جابجا و یا اضافه و کم می‌کند. در حقیقت، برمن فرایند عقلایی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳). با توجه به تفاوت‌های زیاد در ساختار جملات میان زبان فارسی و عربی، مترجم ناچار باید برای ارائه ترجمه روان فارسی در موارد زیادی ساختار نحوی جملات را تغییر داده و بر اساس زبان مقصد جملات را بیان کند. در ادامه برخی از مصادیق این مؤلفه در ترجمه سوره بقره از استاد حسین انصاریان ذکر می‌گردد:

- وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿بقره/۴﴾

ترجمه استاد انصاریان: و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند.

در این آیه در ترجمه، عبارت «به آنچه به سوی تو» ممکن است برای برخی مخاطبان نیاز به توضیح بیشتری داشته باشد. عقلایی‌سازی ایجاد می‌کند که متن به گونه‌ای ساده و روشن‌تر بیان

¹ La Rationalization

شود. مثلاً «به آنچه که به تو نازل شده» می‌تواند به روشنی انتقال یابد؛ فعل «یؤمنون» به صورت فعلی ربطی یعنی «مؤمن هستند» ترجمه شده و بهتر است که در ترجمه آن گفته شود «ایمان می‌آورند»؛ چراکه ترکیب «یؤمنون» فعلی است و در ترجمه «مؤمن هستند» ترکیبی اسمی است و اصل وفاداری به متن مبدأ است.

• إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿بقره/۶﴾

ترجمه استاد انصاریان: بی‌تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش کافرند] مساوی است چه [از عذاب] بیمشان دهی یا بیمشان ندهی.

در اینجا نیز فعل «کفروا» به صورت جمله اسمیه ترجمه شده و بهتر است که در ترجمه آن گفته شود «کفر ورزیدند». در این ترجمه ترکیب جمله عربی از سوی مترجم ویران و از نو مطابق با شیوه‌ای که مدنظر مترجم بوده پایه ریزی شده است. یعنی مترجم ساختارهای زبان مبدأ و مقصد را هماهنگ و مطابق با هم ترجمه ننموده و آنها را تغییر می‌دهد. برمن معتقد است این روش ترجمه از سوی مترجم به شدت خط سیر متن مبدأ را تغییر می‌دهد و آن‌را نادیده می‌انگارد و ناپیوستی از سوی مترجم رخ دهد چرا که باعث ساختار شکنی در متن مبدأ می‌گردد (نک، نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۴۱).

• وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿بقره/۵۵﴾

ترجمه استاد انصاریان: و [یاد کنید] آنگاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم، پس در حالی که می‌دیدید صاعقه مرگبار شما را گرفت. در اینجا استاد انصاریان جمله حالیه «وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» که در آخر آیه آمده است را قبل از عبارت «فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ» ترجمه کرده است و این تقدیم و تأخیر که در ترجمه ارکان جمله حاصل شده است، در حقیقت نوعی عدم پابندی به ساختار نحوی آن می‌باشد و از مصادیق پدیده عقلایی‌سازی در نظریه ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» به شمار می‌رود.

• وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿بقره/۶۳﴾

ترجمه استاد انصاریان: و [یاد کنید] هنگامی که از شما [بر پیروی از حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم] آنچه را [از آیات کتاب الهی] به شما داده‌ایم، با قدرت دریافت کنید، و آنچه را در آن است [برای اجرا کردن] به یاد داشته باشید تا پرهیزکار شوید. در ترجمه این آیه شریفه، استاد انصاریان عبارت «آنچه را در آن است» را قبل از فعل «به یاد داشته باشید» ترجمه کرده است و از آنجا که در ترجمه این بخش از آیه شریفه دست به تقدیم و

تأخیر زده و کاملاً مقید به ساختار نحوی آیه نبوده است، باید گفت ترجمه ارائه شده برای این بخش، مصداقی از پدیده عقلایی‌سازی در نظریه «آنتوان برمن» محسوب می‌شود.

- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿بقره/۱۴۶﴾

ترجمه استاد انصاری: اهل کتاب، نسبت به هویت پیامبر اسلام ابر اساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده‌اند^۱ به گونه‌ای که پسران خود را می‌شناسند؛ شناخت دارند و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می‌دانند، پنهان می‌دارند.

در بخش آخر این ترجمه، همانگونه که پیداست عبارت «در حالی که می‌دانند» که ترجمه «وَهُمْ يَعْلَمُونَ» است، پیش از عبارت «پنهان می‌دارند» که ترجمه فعل «یکتُمون» است ذکر شده و این تقدیم و تأخیر که در حقیقت نوعی عدم مقید بودن به ساختار نحوی کلام است، به عنوان مصداقی برای عقلایی‌سازی به شمار می‌رود.

- وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿بقره/۱۶۳﴾

ترجمه استاد انصاریان: و خدای شما خدای یگانه است، جز او خدایی نیست، رحمتش بی‌اندازه است و مهربانیش همیشگی.

در بخش آخر این ترجمه دو لفظ «الرحمن» و «الرحیم» که از نظر صرفی اسم محسوب می‌شوند را به صورت جمله ترجمه کرده و بدین ترتیب از تقید به ساختار نحوی آیه خارج شده است و این ترجمه از مصادیق بارز و محسوس عقلایی‌سازی به شمار می‌رود.

با توجه و دقت در نمونه‌های مذکور برای این مؤلفه در نظریه «آنتوان برمن» می‌توان گفت که «ساختار نحوی، یکی از مواردی است که معمولاً مترجمان آن را رعایت نمی‌کنند و متناسب با مؤلفه عقلایی‌سازی آن را تغییر می‌دهند؛ مانند ترجمه موصوف و صفت و یا مضاف و مضاف‌إلیه (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۹).

شفاف‌سازی^۱

«شفاف‌سازی، به نوعی به فرآیند عقلایی‌سازی مربوط می‌شود، با این تفاوت که عقلایی‌سازی در سطح ساختار نحوی جملات صورت می‌گیرد، اما شفاف‌سازی مربوط به روشنگری در سطح معنایی است. طبق این نظر، مطلبی که در متن اصلی به صورت «تعریف نشده» مطرح شده است، در متن مقصد به صورت «تعریف شده» درمی‌آید؛ یعنی مترجم با افزودن کلمه یا کلماتی به متن، دست به روشن ساختن متن می‌زند. البته شایان ذکر است که برمن خود بر وابستگی عمل ترجمه

¹ Clarification

به شفاف‌سازی صحّه می‌گذارد، اما مخالفت برمن از طرفی به فروکاستن «چندمعنایی»^۱ به «تک‌معنایی»^۲ و شرح و توضیح مواردی مربوط می‌شود که در متن اصلی نمی‌خواسته روشن باشد و از طرف دیگر، به حشو و افزودن واحدهای معنایی که به اطناب کلام (مورد بعدی تحریف از نظر وی) منجر می‌شود» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳). شفاف‌سازی نتیجه منطقی‌سازی است و به طور خاص سطح «وضوح» کلمات و معانی آن‌ها را مد نظر قرار می‌دهد. در مواردی که متن اصلی مشکلی با ابهام ندارد، زبان ادبی ما تمایل دارد که وضوح را به آن تحمیل کند. شفاف‌سازی برای بسیاری از مترجمان و مؤلفان اصلی ناگزیر به نظر می‌رسد. درست است که شفاف‌سازی ملازم ترجمه است، به این اعتبار که هر ترجمه‌ای توضیح به شمار می‌رود، اما این مسئله می‌تواند دال بر دو مطلب باشد. توضیح می‌تواند آشکارسازی مطلبی باشد که آشکار نیست، اما در متن اصلی به عمد پنهان شده است. ترجمه با شفاف‌سازی، این عنصر پنهان شده را افشا می‌کند (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۶۸). در این مجال پاره‌ای از مصادیق فرآیند شفاف‌سازی ذکر و تبیین شده است:

• **مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿بقره/۱۷﴾**

ترجمه استاد انصاریان: سرگذشت آنان مانند کسانی است که [در شب بسیار تاریک بیابان] آتشی افروختند [تا در پرتو آن خود را از خطر نجات دهند] چون آتش پیرامونشان را روشن ساخت، خدا [به وسیله طوفانی سهمگین] نورشان را خاموش کرد و آنان را در تاریکی‌هایی که مطلقاً نمی‌دیدند وا گذاشت.

همانطور که ملاحظه می‌گردد در ترجمه آیه شریفه مذکور، استاد انصاریان برخی از واژگان و تعبیر را در داخل علامت [] قرار داده است تا با این توضیحات مازاد، بر غنای ترجمه خویش بیافزاید و مفهوم آیه را به خوبی تبیین و شفاف سازد. برمن معتقد است که ترجمه باید بافت فرهنگی را در نظر بگیرد. در ترجمه انصاریان، استفاده از عبارت [شب بسیار تاریک بیابان] به خوبی حس و حال شرایط نوری را به تصویر می‌کشد و به خواننده این امکان را می‌دهد که با بافت فرهنگی و لحن آیه بیشتر آشنا شود. با این حال، شاید برخی از عبارات نیاز به توضیح بیشتری داشته باشند. به عنوان مثال، عبارت [به وسیله طوفانی سهمگین] به نظر می‌رسد که افزودن این توضیح به متن اصلی می‌تواند باعث پیچیدگی بیشتری شود و ممکن است برای برخی از خوانندگان خالی از معنا باشد. برمن ممکن است در این مرحله تأکید کند که لزومی ندارد تمام جزئیات به اجبار به متن افزوده شود، بلکه باید بر اساس اهمیت و تأثیرگذاری متن تصمیم‌گیری شود. شاید به

¹ Polysemy

² Monosémie

نظر برسد که این افزوده سازی مشابه همانی است که در مقوله عقلایی سازی رخ می‌دهد ولی نکته بسیار مهم در تفاوت میان این دو، آن است که در عقلایی سازی تغییرات، افزوده‌ها و کاسته‌های نحوی رخ می‌دهد اما در مقوله حاضر این افزوده‌ها مربوط به لایه معنایی جملات است. و اگر در نمونه یاد شده دقت کنیم خواهیم دید که مترجم با افزودن کلماتی به متن دست به روشنگری برده و کلمات یا عباراتی را که در متن مبدا به صورت عامدانه مبهم یا غیر مشخص باقی مانده توضیح و ابهام را از آنها رفع نموده است.

- يَكَاذُ الْبَرْقُ يَخْطُفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿بقره/۲۰﴾

ترجمه استاد انصاریان: نزدیک است که آن برق [بسیار درخشنده، روشنی] چشمهای آنها را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می‌روند و چون محیط را بر آنان تاریک کند، می‌ایستند و اگر خدا می‌خواست [شنوایی] گوش و [بینایی] چشم آنان را نابود می‌کرد؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست.

در ترجمه این آیه شریفه نیز استاد انصاریان عبارات و الفاظی همچون [بسیار درخشنده، روشنی]، [شنوایی] و [بینایی] را در علامت [] قرار داده است تا مفهوم آیه مورد نظر را با صراحت و شفافیت بیشتری منتقل سازد.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿بقره/۱۰۴﴾

ترجمه استاد انصاریان: ای اهل ایمان! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: راعنا [یعنی در ارائه احکام، امیل و هوسهای ما را رعایت کن] و بگویید: انظرنا [یعنی مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمانهای خدا و پیامبرش را برای اطاعت نمودن] بشنوید. قطعاً برای کافران عذابی دردناک است.

شاید بتوان گفت بارزترین مصداق برای شفاف‌سازی در این ترجمه دیده می‌شود و عباراتی مانند [هنگام سخن گفتن با پیامبر]، [یعنی در ارائه احکام، امیل و هوسهای ما را رعایت کن]، [یعنی مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمانهای خدا و پیامبرش را برای اطاعت نمودن] همگی کاملاً با هدف شفاف‌سازی به کار رفته‌اند.

- لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ... ﴿بقره/۲۷۲﴾

ترجمه استاد انصاریان: [ای پیامبر] هدایت آنان [به سوی اخلاص در انفاق و ترک مت و آزار] بر عهده تو نیست [وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است].

در ترجمه فوق نیز مشاهده می‌شود که برای عبارتی بسیار کوتاه، الفاظ زیادی از باب شفاف‌سازی به کار رفته است و مفهوم این بخش از آیه شریفه را تبیین و تکمیل می‌کند.

همانگونه که از بررسی ترجمه‌های مذکور در این بخش برمی‌آید می‌توان گفت: «مسألاً شفاف‌سازی و ترجمه دو جزء لاینفک هستند، تا حدی که هر عمل ترجمه‌ای، قابل شرح است. اما در مفهوم منفی، توضیح به منظور شفاف‌سازی، آنچه را که نمی‌خواهد در متن اصلی باشد، هدف قرار می‌دهد» (عشقی، ۱۳۹۰: ۶۱).

اطناب کلام^۱

«همانند تمام مترجمان و نظریه‌پردازان، برمن نیز بر این نکته واقف است که هر ترجمه‌ای از متن اصلی خود طولانی‌تر است. او این اطناب کلام را حاصل دو فرایند عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی می‌داند. نیز معتقد است که مترجم ایده «فشرده» متن مبدأ را باز می‌کند و این کار را «تهی‌شدگی» می‌نامد که تأثیری در غنا بخشیدن به جان کلام ندارد؛ از این روی، بر آن جمله معروف خود که «افزوده هیچ نمی‌افزاید» تأکید می‌کند و افزوده را صرفاً در راستای انباشته کردن حجم متن، و بی‌ثمر می‌داند. به اعتقاد برمن، اطناب کلام پایه زبانشناختی ندارد و گرایشی لاینفک از ترجمه شده است» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۳ و ۴). اطناب، ادای مقصود با عباراتی بیشتر از عبارات مألوف است. (تفتازانی، ۱۳۸۳: ۲۵۴) اطنابهایی موجود در ترجمه انصاریان به طرق مختلف پدیدار شده اند و مهم ترین آنها عبارتند از: ۱. واژه با ترجمه عربی ۲. دو واژه مترادف ۳. باهم آیی ۴. اطناب احترامی (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶). انصاریان در مواردی از این ترفند بلاغی استفاده می‌کند که نمونه‌هایی از آن در ذیل آورده شده است:

- الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿بقره/۲۲﴾

ترجمه استاد انصاریان: آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان آبی [چون برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون روزی مناسبی برای شما پدید آورد؛ پس برای خدا همتایانی قرار ندهید در حالی که می‌دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، همتایی وجود ندارد].

در این آیه شریفه استاد انصاریان واژه «بناءً» را به صورت «سقفی برافراشته» ترجمه کرده است، در حالی که کلمه «سقف» متضمن معنای برافراشته بودن می‌باشد و لزومی ندارد که در ترجمه آن صفت «برافراشته» ذکر گردد و این‌گونه ترجمه کردن از مصادیق بارز اطناب کلام در نظریه «آنتوان برمن» می‌باشد. اطناب در این‌جا به معنای بیان یا توصیف یک مفهوم به صورت

¹ l'Allongement

² layout n'ajoute rien

تفصیلی‌تر از آن است که در اصل لازم است یا به‌طور طبیعی مورد نیاز است. هدف از این نوع اطناب آن است که کاملاً ذهن و جان شنونده قرار گیرد و او را تحت تأثیر قرار دهد. از طرفی هم مترجم با این توضیح بیشتر و افزودن قید برای واژه مورد اشاره، قصد آن داشته تا تجسم و عینیت آن را برای مخاطب بیشتر جلوه کند؛ و از آنجایی که "بناء" برای آسمان بکار رفته ارتفاع و جایگاه بالای آسمان را با این قید به تصویر بکشد.

• **وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿بقره/۳۵﴾.**

ترجمه استاد انصاریان: و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر جای آن خواستید فراوان و گوارا بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید که [اگر نزدیک شوید] از ستمکاران خواهید شد.

در ترجمه این آیه شریفه استاد انصاریان عبارت [اگر نزدیک شوید] را از باب اطناب توصیفی تفسیری آورده است، زیرا حرف «که» به تنهایی بر علت دلالت می‌کند؛ از این رو ذکر عبارت داخل کروشه تنها باعث افزایش حجم محتوای ترجمه شده و بر بار معنایی آن نیفزوده است. همچنین عبارت [فراوان و گوارا] را برای ترجمه رَغَدًا از باب اطناب آورده است، زیرا این واژه در اصل معنای "فراوانی" را می‌رساند (اصفهانی، بی‌تا: ۳۳۴) لکن واژه **گوارا** را از آنرو که برای زندگی بهشت بکار برده افزوده تا محبوبیت و مطلوبیت آن را بیشتر نشان دهد. این نوع اطناب از نوع باهم آیی است. زیرا زندگی بهشتی علیرغم فراوانی و گسترده‌گی‌اش، گوارا نیز هست.

• **وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿بقره/۴۲﴾.**

ترجمه استاد انصاریان: و حق را با باطل مخلوط نکنید [تا تشخیص دادنشان برای مردم جویای حق دشوار نشود] و حق را [که قرآن و پیامبر است] در حالی که می‌دانید [و می‌شناسید، از مردم]، پنهان نکنید.

در ترجمه این آیه شریفه دو عبارت [تا تشخیص دادنشان برای مردم جویای حق دشوار نشود] و [که قرآن و پیامبر است] از باب اطناب در ترجمه ذکر شده‌اند و از نوع اطناب تفسیری است که به دلیل و پیامد عمل مخلوط کردن حق و باطل اشاره دارد. این توضیح به روشن‌شدن اثرات منفی این عمل بر مخاطبان و جویندگان حقیقت کمک می‌کند و مفهوم آیه را با شیوه‌ای عملی و ملموس‌تر به خواننده منتقل می‌کند، و چون نوع متن افزوده داخل کروشه به نوعی راه را برای مخاطبان فعل **لاتلبسوا** نشان می‌دهد و آنان را از خطای احتمالی و افزودن مشکلات بعدی برحذر می‌دارد چرا که اگر حق را به باطل بیافزایند دچار اختلافات و گرفتاری‌هایی خواهند شد؛ اطناب از نوع اطناب احترامی باشد. بنابراین معنای این آیه واضح است؛ اما با توجه به وضوح معنای این آیه،

ذکر دو عبارت مشخص شده نه تنها بر شفاف‌سازی و تبیین معنا و مفهوم متن نیفزوده، بلکه تنها حجم آن را بالا برده است و چه بسا این امر موضع نقدی بر ترجمه مذکور باشد.

- وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿بقره/۵۷﴾.

ترجمه استاد انصاریان: و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر سر شما سایبان قرار دادیم؛ و بر شما گزنگبین و بلدرچین نازل کردیم؛ و [گفتیم] از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما قرار داده‌ایم بخورید. و آنان [به طغیان و ناسپاسی بر برابر ما برخاستند] و [در ناسپاسی در برابر نعمت] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خود ستم می‌ورزیدند.

در این ترجمه، استاد انصاریان دو عبارت [به طغیان و ناسپاسی بر برابر ما برخاستند] و [در ناسپاسی در برابر نعمت] را از باب را از باب اطناب ذکر کرده‌اند که این امر بر گستردگی ترجمه افزوده است، در صورتی که شاید عدم ذکر این سه عبارت موجب روانی، سادگی و نیز فهم سریع معانی آیه می‌شد. به نظر می‌رسد این اطناب هم از نوع توضیحی باشد. منظور از اطناب توضیحی اطنابی است که هدف از آن آشکارسازی چیزی است که در متن نیامده ولی این توضیح می‌تواند برای دفع ابهام احتمالی مفید باشد (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶). لذا مترجم این عبارتها را بر ترجمه خود افزوده تا مطلب و پیام متن اصلی بهتر در جان مخاطب قرار گیرد. این بخش از ترجمه به وضوح عکس‌العمل منفی قوم اسرائیل را در برابر نعمت‌های الهی بیان می‌کند و آن‌را به صورت مشخصی توضیح می‌دهد. با این توضیح، معنی عمیق‌تری به آیه داده می‌شود و توجه به ناسپاسی و طغیان آن‌ها تقویت می‌شود.

- وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿بقره/۷۸﴾.

ترجمه استاد انصاریان: و گروهی از یهود اشخاص بیسواد هستند و از کتاب آسمانی تورات جز خواندن الفاظ چیزی نمی‌دانند و حال آن‌که [در امر دین به سبب عدم تحقق و دنبال نکردن معرفت] فقط در مسیر خیال واهی قدم برمی‌دارند.

در ترجمه ارائه شده، عبارت [در امر دین به سبب عدم تحقق و دنبال نکردن معرفت] آنطور که شایسته است به شفاف‌سازی متن نمی‌پردازد و به نظر می‌رسد که تنها به افزایش محتوا و حجم ترجمه کمک کرده است. این اطناب تفسیری به‌خصوص بر مسئولیت و جستجوی معرفت تأکید دارد. با افزایش جزئیات و توضیحات، این قسمت بیان می‌کند که عدم جستجو و تحقق حقیقی باعث شده که این افراد فقط در توهمات و خیالاتی که مربوط به دین است، زندگی کنند. این توضیحات به وضوح نشان می‌دهد که مشکل آن‌ها تنها در سطح خواندن نیست، بلکه به کمبود معرفت و احساس عمق بیشتری در دین مرتبط است.

• وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿بقره/۱۱۶﴾

ترجمه استاد انصاریان: و [یهود و نصاری] گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته، منزّه است او [از اوصاف دروغ و باطلی که به حضرتش نسبت می‌دهند] بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مخلوق و مملوک اویند [نه فرزند او؛ زیرا فرزند همجنس پدر و مادر است و چیزی در جهان همجنس خدا نیست تا فرزند خدا باشد] و همه موجودات نسبت به او فرمانبردار هستند. با دقت در ترجمه مذکور مشخص می‌شود که عباراتی چون [یهود و نصاری]، [برای خود]، [از اوصاف دروغ و باطلی که به حضرتش نسبت می‌دهند] و نیز [نه فرزند او؛ زیرا فرزند همجنس پدر و مادر است و چیزی در جهان همجنس خدا نیست تا فرزند خدا باشد] از باب اطناب توضیحی و تفسیری آمده‌اند تا مبدا مخاطب دچار ابهام شود و خلاف مقصود آیه را در نظر گیرد. گمان می‌رود مترجم خواسته تا فاعل فعل‌ها به طور صریح روشن شده و از احتمال اسناد آن به دیگران توسط مخاطبان خودداری گردد. ولی باید بدانیم بدون ذکر آن‌ها نیز ترجمه ارائه شده، کامل بود و معنای این آیه شریفه برای اهل آن روشن بود.

• قُلْ أَتُحَايُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿بقره/۱۳۹﴾

ترجمه استاد انصاریان: بگو: آیا با ما درباره خدا گفتگوی بی‌منطق و احتجاج نادرست می‌کنید؟! در حالی که او پروردگار ما و شماست [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی‌منطق و احتجاج نادرست نیست]؛ و اعمال ما بر عهده ما و اعمال شما بر عهده شماست، و ما [در ایمان، اعتقاد و عبادت] برای او اخلاص می‌ورزیم. همانگونه که پیداست در ترجمه آیه فوق نیز دو عبارت [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی‌منطق و احتجاج نادرست نیست] و [در ایمان، اعتقاد و عبادت] تنها بر حجم محتوای ترجمه افزوده‌اند و از آنجا که معنای احتجاج واضح است نیازی به توضیح بیشتر و ذکر الفاظ و عبارات مترادف احساس نمی‌شود. ذکر معادل اضافی جبران کننده معنای مدنظر نیست، در این جا به دلایل گفتگو پرداخته و به ربوبیت خداوند اشاره می‌کند. اطناب از نوع توصیفی است و شامل بیان حکمت و مصلحت خداوند نیز می‌شود. اضافه کردن جمله‌ای درباره حکمت و مصلحت، عمق بیشتری به گفتگو می‌افزاید و به مخاطبان کمک می‌کند تا مفهوم را بهتر درک کنند.

تفاخرگرایی^۱

«آنتوان برمن این گرایش را گرایشی «افلاطونی» می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی درمی‌آوردند. وی معتقد است این گرایش مربوط به حسّ زیبایی‌شناختی افرادی می‌شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. برمن تفاخرگرایی را در نظم، «شاعرانه کردن»^۲ و در حوزه نثر، «بلیغ کردن»^۳ می‌خواند و آن را شامل «تولید جملات فاخر با بهره گرفتن از متن اصلی، به عنوان مادهٔ اولیه» تعریف می‌کند. در واقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چند و چون متن اصلی، صرفاً برای خوانا، برجسته و فاخر بودن متن مقصد - آن هم به بهانه انتقال بهتر معنا- به متن اصلی توجهی نکرده است و دست به بازنویسی متن اصلی می‌زنند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹ش: ۴).

نمونه‌هایی از تفاخرگرایی در ترجمهٔ استاد انصاریان در ذیل ذکر و بررسی شده است:

- **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدْيِ فَمَا رَجَحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿بقره/۱۶﴾.**

ترجمهٔ استاد انصاریان: آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و از راه یافتگان [به سوی حق] نبودند.

درگرایش تفاخرگرایی که از آن به آراسته سازی هم تعبیر می‌شود خواست مترجم بر آنست که متنی آراسته‌تر و زیباتر از متن اصلی ارایه دهد. لذا زیباسازی بلاغی منجر به ساخت جملاتی زیبا می‌شود. این اقدام اغلب در چارچوب‌های ادبی و علوم انسانی کاربرد دارد تا متونی قابل خواندن، ممتاز و استوار که از دشواری متن اصلی رهایی یافته به دست آید. بنابراین در ترجمهٔ این آیه شریفه میبینیم که استاد واژه «مهدتین» را با گرایش تفاخری و به قصد آراسته سازی ترجمه کرده است؛ چون با ملاحظه زیبایی آیه و پرمعنایی و عمیق بودگی آن تلاش کرده به زیبایی آیه بیافزاید. که به نوعی می‌توان آن را با اغراق در فخر در بلاغت، همسان دانست؛ چرا که راه یافتگان نسبت به هدایت شدگان، دارای نوعی فخر فزونتر است گویی پس از هدایت، راه خود را یافته اند. این در حالی است که می‌شد آن را به صورت ساده و واضح ترجمه کند و بگوید «... و از هدایت شدگان نبودند».

- **الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿بقره/۲۲﴾**

¹ l'innoblessement

² Potentization

³ Rhétorisation

ترجمه استاد انصاریان: آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان آبی [چون برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون روزی مناسبی برای شما پدید آورد؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید در حالی که می‌دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، همتایی وجود ندارد].

در این آیه شریفه نیز تعبیر [چون برف و باران] از باب تفاخر و زیباسازی ترجمه بیان شده است تا مقوله ادبیت و زیباشناسی ترجمه بالا رود. در ترجمه «ماء» به «آبی [چون برف و باران]»، می‌توان به نوعی تفاخرگرایی در توصیف نعمت‌های الهی اشاره کرد. این تعبیر به وضوح بر ویژگی‌های خاص آب تأکید می‌کند که به عنوان یک نعمت الهی به حساب می‌آید و به نوعی زیبایی و شکوه این نعمت را به تصویر می‌کشد.

• وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿بقره/۵۵﴾

ترجمه استاد انصاریان: و [یاد کنید] آنگاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم، پس در حالی که می‌دیدید صاعقه مرگبار شما را گرفت. در اینجا استاد انصاریان در ترجمه لفظ «الصَّاعِقَةُ» از ترکیب وصفی «صاعقه مرگبار» استفاده کرده است تا بر ارزش ادبی و تأثیر معنوی ترجمه خویش بیفزاید؛ هرچند سیاق کلام هم به ترجمه چنین وصفی از عبارات، دخل دارد.

• مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿بقره/۱۰۵﴾

ترجمه استاد انصاریان: نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، در حالی که خدا هر که را بخواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد، و خدا دارای فضل بزرگی است.

در این ترجمه، استفاده از تعبیر «نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان» با آهنگ خاصی که به کلام می‌دهد، بر ارزش هنری و فنی بافت سخن افزوده و نوعی تفاخرگرایی در ترجمه به شمار می‌رود.

• قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ... ﴿بقره/۱۴۴﴾

ترجمه استاد انصاریان: ما گردانیدن رویت را در [جهت] آسمان [چون کسی که به انتظار مطلبی باشد، می‌بینیم].

همانگونه که مشاهده می‌شود، استاد در ترجمه این بخش از آیه شریفه از عنصر تشبیه استفاده کرده و عبارت [چون کسی که به انتظار مطلبی باشد] را از این باب و جهت افزایش ارزش بلاغی سخن خویش به کار برده است که این اقدام نوعی تفاخر گرایی محسوب می‌شود.

نتیجه

نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه «آنتوان برمن» قابلیت زیادی برای انطباق با ترجمه‌های قرآن کریم دارد و یکی از اصول بسیار مهم در این نظریه، التزام فراوان به پایبندی به متن مبدأ می‌باشد. پس از واکاوی مؤلفه‌های مربوط به نظریه مذکور در ترجمه سوره بقره از انصاریان چنین استنتاج شد که وی چهار مؤلفه «عقلایی‌سازی»، «شفاف‌سازی»، «اطناب» و «تفاخر گرایی» را در ترجمه خویش مدّ نظر داشته و از میان مؤلفه‌های مذکور بیشتر از مؤلفه «اطناب» بهره برده است و پس از آن بیشتر به «شفاف‌سازی» و «عقلایی‌سازی» گرایش داشته است و در پاره‌ای موارد به «تفاخر گرایی» روی آورده و با ذکر عبارت‌هایی در زمینه افزایش سطح ادبیت و ارزش زیبایی‌شناسانه ترجمه خویش از این مؤلفه نیز استفاده کرده است.

نکته‌ای که در این مجال ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد آن است که استاد انصاریان در ترجمه‌ای که از سوره بقره ارائه داده، بیشتر به دنبال تبیین دقیق و واضح معانی الفاظ و عبارات مذکور در آیات بوده است؛ به همین دلیل نمود بسیار بالایی از مؤلفه‌های «اطناب»، «شفاف‌سازی» و «عقلایی‌سازی» در ترجمه وی به چشم می‌خورد و یکی از امتیازات ترجمه وی نیز استفاده فراوان از علامت کروشه [] در موقعیت‌های مناسب است که به نوبه خود کار تشخیص عبارات تکمیلی و تفسیری را آسان می‌کند.

در یک کلام باید گفت میزان پایبندی انصاریان به متن قرآن در ترجمه سوره بقره بسیار بالا است و وی تا حدّ امکان برای تبیین معنا و مفهوم الفاظ و عبارات به ارائه توضیحات لازم پرداخت و چه بسا همین امر سبب شد که از گرایش به ادبی‌سازی ترجمه خود و استفاده از عناصر بلاغی مانند مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه و نیز محسنات صوتی همچون سجع و جناس تا حدّ زیادی اجتناب ورزد.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲ش). «آنتوان برمن و نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه». *نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۶(۱۰)، ۱-۱۹.

افضلی، علی، و داتوبر، مرضیه. (۱۳۹۸ش). «ارزیابی کیفی ترجمه عربی اشعار مولانا براساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: کتاب *مختارات من دیوان شمس الدین تبریزی اثر ابراهیم الدسوقی شتا*)». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۶۱(۶۵)، ۹-۲۸.

افروز، محمود. (۱۳۹۹ش). «ارزیابی عملکرد مترجمان بوف‌کور بر اساس تحلیل عناصر و بار معنایی واژگان: ارائه مدل تحلیلی جدید بر مبنای داده‌ها». *فصلنامه زبان پژوهی*، ۳۷(۳۷)، ۹-۳۷.

بوزبائر، ژان. (۱۳۹۷ش). *درآمدی انتقادی بر مطالعات ترجمه (ترجمه حسین داوری و ابوطالب ایرانمهر)*. تهران: نشر نویسه پارسی.

بیکر، مونا، و گابریلا سالدینا. (۱۳۹۶ش). *دایره‌المعارف مطالعات ترجمه (ترجمه حمید کاشانیان)*. تهران: نشر نو.

پیم، آنتونی. (۱۳۹۶ش). *اصول اخلاقی مترجم (ترجمه زهرا فلاح شاهرودی و فرزانه معمار)*. تهران: مرکز. تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۸۳ش). *شرح المختصر*. قم: اسماعیلیان.

تقیه، محمد حسن. (۱۳۸۴ش). «نقد ترجمه چیست؟». *نشریه مطالعات ترجمه*، ۳(۱۱)، ۵۳-۶۱.

دلشاد، شهرام، سید مهدی مسبوق، و مقصود بخشش. (۱۳۹۴ش). «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از *نهج البلاغه* بر اساس نظریه‌گرایی‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن». *دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، ۴(۴)، ۹۹-۱۲۰.

صفوی، محمدرضا. (۱۳۹۱ش). *نقدآموزی ترجمه‌های قرآن*. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)، مرکز تخصصی مهدویت.

عشقی، فاطمه. (۱۳۹۰ش). *ترجمه و جزء کلمه یا بیتوته در دوردست*. تهران: نشر قطره.

غضنفری، محمد. (۱۳۸۹ش). «نگاهی به تکرارهای واژگانی قرآن از منظر زبان‌شناسی نقشی - سازه‌ای و دشواری ترجمه این گونه عناصر». *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۲(۲)، ۵۸-۷۷.

فراهی، محمد و دیگران. (۱۳۹۶ش). «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن». *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۷(۱۷)، ۳۳-۵۴.

کاکاوندی، گودرز و دیگران. (۱۴۰۱ش). «نقد و بررسی ترجمه قرآن طاهره صفارزاده و حسین انصاریان بر اساس نظریه «گرایی‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن (مطالعه موردپژوهانه در سوره بقره)». *مطالعات قرآنی*، ۱۳(۴۹)، ۱۷۶-۱۹۷.

مهدی‌پور، فاطمه. (۱۳۸۹ش). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». *کتاب ماه ادبیات*، ۴۱(۴۱)، ۵۷-۶۳.

نیازی، شهریار، و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷ش). *الگوهای ارزیابی ترجمه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نیازی، شهریار، و هاشمی، انسیه سادات. (۱۳۹۸ش). «بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: مورد پژوهی ترجمه رضایی اصفهانی». *مطالعات زبان و ترجمه*، ۵۲(۴)، ۱۹۳-۱۶۱.

هاوس، جولیان. (۱۳۹۷ش). *مبانی ترجمه (ترجمه ابوطالب ایرانمهر و همکاران)*. تهران: نشر نویسه پارسی.

هولمز، جیمز و همکاران. (۱۳۹۳ش). *بازاندیشی ترجمه (ترجمه مزدک بلوری و کاوه بلوری)*. تهران: قطره.

Transliterated References

- Qur'an Karim, Tarjome-ye Hossein Ansarian. [in Persian]
- Ahmadi, Mohammad Rahim. (1392sh). "Antuan Berman va nazariye-ye 'gerayesh-haye rekht-shekananeh'; mo'arefi va barrasi-ye qabeliyyat-e karbord-e an dar naqd-e tarjomeh." *Naqd-e Zaban va Adabiyat-e Khareji*, 6(10), 1–19. [in Persian]
- Afzali, Ali, & Datouber, Marziyeh. (1398sh). "Arzyabi-ye keyfi-ye tarjome-ye arabi-ye ash'ar-e Molana bar asas-e nazariye-ye Antuan Berman (motale'e-ye moredi: ketab-e *Mukhtarat min Diwan Shams al-Din Tabrizi* az Ebrahim al-Dasuqi Shata)." *Faslname-ye Pajooresh-haye Adabi*, 61(65), 9–28. [in Persian]
- Afrouz, Mahmoud. (1399sh). "Arzyabi-ye amalkard-e motarjeman-e *Buf-e Kur* bar asas-e tahlil-e anaser va bar-e ma'na'i-ye vajegan: era'e-ye model-e tahlili-ye jadid bar mabna-ye dadeha." *Faslname-ye Zaban-Pazhuhi*, (37), 9–37. [in Persian]
- Bouzbayer, Jean. (1397sh). *Daramadi enteqadi bar motale'at-e tarjomeh* (tarjome-ye Hossein Davari & Abutaleb Iranmehr). Tehran: Nashr-e Nevise-ye Parsi. [in Persian]
- Baker, Mona, & Gabriela Saldina. (1396sh). *Da'erat al-ma'aref-e motale'at-e tarjomeh* (tarjome-ye Hamid Kashanian). Tehran: Nashr-e No. [in Persian]
- Pym, Anthony. (1396sh). *Osoul-e akhlaqi-ye motarjem* (tarjome-ye Zahra Fallah Shahrudi & Farzaneh Memar). Tehran: Markaz. [in Persian]
- Taftazani, Sa'd al-Din. (1383sh). *Sharh al-Mukhtasar*. Qom: Esmā'iliyan. [in Arabic]
- Taghieh, Mohammad Hassan. (1384sh). "Naqd-e tarjomeh chist?" *Nashriye-ye Motale'at-e Tarjomeh*, 3(11), 53–61. [in Persian]
- Delshad, Shahram, Seyyed Mehdi Masboob, & Maqsoud Bakhshesh. (1394sh). "Naqd va barrasi-ye tarjome-ye Shahidi az *Nahj al-Balagha* bar asas-e nazariye-ye gerayesh-haye rekht-shekananeh-ye Antuan Berman." *Do-Faslname-ye Motale'at-e Tarjome-ye Qur'an va Hadith*, (4), 99–120. [in Persian]
- Safavi, Mohammad Reza. (1391sh). *Naqd-amoozi-ye tarjomeh-haye Qur'an*. Qom: Bonyad-e Farhangi-ye Hazrat Mahdi (AJ), Markaz-e Takhasosi-ye Mahdawiyyat. [in Persian]
- Eshqi, Fatemeh. (1390sh). *Tarjomeh va joz'-e kalameh ya beytouteh dar durdest*. Tehran: Nashr-e Ghatreh. [in Persian]
- Ghazanfari, Mohammad. (1389sh). "Negahi be tekarhaye vajegani-ye Qur'an az manzar-e zabanshenasi-ye naqshi-sazeh'i va doshvari-ye tarjomeh-ye in goone anaser." *Motale'at-e Zaban va Tarjomeh*, 42(2), 58–77. [in Persian]
- Farhadi, Mohammad et al. (1396sh). "Naqd va barrasi-ye etnab va tozih dar tarjomeh-ye *Sahifeh Sajjadiyeh* bar asas-e nazariye-ye Antuan Berman." *Do-Faslname-ye Pajooresh-haye Tarjomeh dar Zaban va Adabiyat-e Arabi*, 7(17), 33–54. [in Persian]
- Kakavandi, Goodarz et al. (1401sh). "Naqd va barrasi-ye tarjomeh-ye Qur'an-e Tahereh Safarzadeh va Hossein Ansarian bar asas-e nazariye-ye 'gerayesh-haye rekht-shekananeh' Antuan Berman (motale'e-ye moredpajouhaneh dar Sura-ye Baqara)." *Motale'at-e Qur'ani*, 13(49), 176–197. [in Persian]

- Mehdipour, Fatemeh. (1389sh). "Nazari bar ravand-e peydāyesh-e nazariyeh-haye tarjomeh va barrasi-ye sistem-e tahrif-e matn az nazar-e Antuan Berman." *Ketab-e Mah-e Adabiyat*, (41), 57–63. [in Persian]
- Niazi, Shahriyar, & Zeinab Ghasemi Asl. (1397sh). *Algoohā-ye arzyabi-ye tarjomeh*. Tehran: Entesharat-e Daneshgah-e Tehran. [in Persian]
- Niazi, Shahriyar, & Hashemi, Ansieh Sadat. (1398sh). "Barrasi-ye chgoonegi-ye karamadi-ye mo'alefe-ye 'shaffaf-sazi' dar olgooye Berman dar arzyabi-ye tarjomeh-ye Qur'an: mored-e pazhoi tarjomeh-ye Rezaei Esfahani." *Motale'at-e Zaban va Tarjomeh*, 52(4), 161–193. [in Persian]
- House, Julian. (1397sh). *Mabani-ye tarjomeh* (tarjome-ye Abutaleb Iranmehr et al.). Tehran: Nashr-e Nevise-ye Parsi. [in Persian]
- Holmes, James et al. (1393sh). *Bazandishi-ye tarjomeh* (tarjome-ye Mazdak Balouri & Kaveh Balouri). Tehran: Ghatreh. [in Persian]

Clarifying the Theory of Berman's Metamorphosing Tendencies in the Translation of the Qur'an (Case study: Hossein Ansarian's Translation of Surah Baqarah)

Ebrahim Namdari*

(Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran)

Asgar Babazadeh Aghdam

(Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Qur'anic Sciences and Teachings, Qom, Iran)

Ayoub Amraei

(Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran)

Nasrin Rezanajadi

(M.A. in Arabic Literature, Payame Noor University)

Abstract

Translation is considered an important and fundamental process in today's era, and it consists of finding equivalent words of the target language for words of the source language in the original text, although sometimes it is enough to find equivalents in order to convey the general meaning of the speech; Therefore, the translator must evaluate the words and context of the translation and choose the best equivalent words one after the other. In addition, the way of arranging words and combining words to create an equivalent meaning is different from one language to another, and translating words in the order they appear in the source text may become meaningless in the target language. One of the issues that is important after translation is translation criticism, which seems very necessary. In this research, the translation of Professor Hossein Ansarian's translation of Surah Al-Baqarah and its clarification was investigated with the descriptive analytical method and the use of library sources, referring to the theory of "Antoine Berman's" structural-breaking tendencies, and it was concluded that he has four The author paid attention to "rationalization", "transparency", "rope" and "boasting" and presented his translation with this approach, and it is bound to the source text to a great extent.

Keywords: translation criticism, transparency, Antoine Berman's theory, Surah Baqarah, Hossein Ansarian

Extended Abstract

Introduction

Translating the Qur'an into Persian is among the most intricate challenges in the field of translation studies, as it entails transferring the meanings of a sacred, linguistically unique, and rhetorically powerful Arabic text into a structurally different and culturally distinct language. Although the Qur'an was revealed in

Arabic, its message is universal; therefore, Persian-speaking Muslims necessarily depend on translations to understand its teachings. Yet the act of translation must be approached with extraordinary sensitivity, since the Qur'an's linguistic precision, multilayered meanings, and stylistic harmony require the translator to maintain strict fidelity to both the semantic content and the rhetorical force of the original. As Safavi notes, proper Qur'an translation demands mastery of Arabic linguistic structures and deep familiarity with Persian stylistics, ensuring that meaning is conveyed faithfully without compromising clarity.

Within this broader context, this study concentrates on the Persian translation of *Sūrat al-Baqara* by Hussein Ansarian, a widely used contemporary rendering known for its fluent style and accessibility for modern readers. Despite its recognition, systematic scholarly evaluation of this translation through a rigorous theoretical lens has been limited. The present research addresses this gap by employing Antoine Berman's theory of deforming tendencies, a prominent source-oriented model in translation studies that identifies ways in which translations habitually distort the structure or spirit of the original text. Berman's framework is particularly pertinent to Qur'anic translation, where the preservation of semantic layers, syntactic structures, and textual foreignness is essential.

The study aims to explore how four of Berman's tendencies—rationalization, clarification, expansion, and ennoblement—manifest within Ansarian's translation of *Sūrat al-Baqara*. It also examines the degree of fidelity maintained in conveying Qur'anic meanings and stylistic elements. While it is hypothesized that Ansarian generally adheres closely to the Arabic source, the research also anticipates that certain deforming tendencies may appear in the translation, sometimes contributing to greater clarity for the contemporary reader and, at other times, creating distances from the Qur'anic formulation.

Methodology

The study adopts a qualitative, descriptive–analytical methodology, grounded in detailed textual comparison and informed by theoretical insights from translation studies. The corpus consists of the Arabic text of *Sūrat al-Baqara* and its Persian translation by Hussein Ansarian. Selected verses were chosen based on how clearly they exhibited Berman's deforming tendencies or illustrated shifts in semantic or syntactic structure. The analysis involves close examination of corresponding Arabic and Persian text segments, noting where structural transformations, interpretive additions, stylistic modifications, or elaborations occur.

Secondary sources—including prior studies applying Berman's theory to religious and literary translations—serve to contextualize the analysis and situate it within ongoing scholarly discourse. The methodology also pays particular attention to one of Ansarian's stylistic trademarks: his extensive use

of bracketed explanations. These insertions often provide interpretive or cultural clarifications and thus serve as essential indicators for detecting clarification and expansion tendencies. By separating interpretive notes from the main body of the translation, these brackets offer a clear window into the translator's decision-making strategies.

Throughout the analysis, the goal is not merely to label certain features as "deformations" but to understand the translator's rationale, the linguistic constraints he faced, and the interpretive benefits or drawbacks introduced by these modifications. This approach enables a nuanced understanding of how translation theory interacts with the practical demands of rendering a sacred text.

Results

The findings show that the four examined tendencies appear in varying degrees across Ansarian's translation, providing a detailed map of how his stylistic and interpretive choices shape the Persian rendering of *Sūrat al-Baqara*.

Rationalization emerges where Ansarian restructures the syntactic organization of Qur'anic verses to align more naturally with Persian discourse patterns. Examples include shifting the position of circumstantial clauses, converting Arabic verbal constructions into Persian nominal sentences, and breaking long, complex Arabic structures into shorter, more linear Persian segments. While such rationalization enhances readability and meets target-language expectations, it may sometimes reduce the rhetorical impact or rhythmic complexity of the original Qur'anic discourse. Nevertheless, many of these changes can be attributed to the fundamental structural differences between Arabic and Persian rather than translator intervention alone.

Clarification is among the most prominent features of Ansarian's translation. He frequently adds explanatory material—often in brackets—to resolve potential ambiguities, contextualize historical references, or highlight theological implications. For example, culturally specific terms or expressions with layered meanings are clarified through explicit paraphrases. In some instances, these additions significantly benefit readers unfamiliar with Qur'anic context, enabling deeper comprehension. However, from Berman's perspective, such clarifications risk reducing polysemy and diminishing the interpretive openness characteristic of Qur'anic language. The study notes that clarification is inevitable to some extent, but when overused, it shifts the translation toward commentary rather than linguistic mediation.

Expansion appears as the most frequent deforming tendency in Ansarian's translation. This expansion manifests through the addition of synonymous expressions, descriptive modifiers, interpretive explanations, and contextual elaborations that extend the Persian text beyond the original. Some expansions function pedagogically by helping readers understand implied meanings or narrative backgrounds; others add emotional or rhetorical emphasis. Yet

Berman would argue that these expansions often inflate the translation without adding true semantic depth. The analysis identifies several patterns of expansion, such as interpretive, respectful, stylistic, and lexical expansion, each contributing differently to the overall texture of the translation.

Ennoblement, while less frequent, is observable in certain stylistic choices where Ansarian enhances the aesthetic dimension of the text. Examples include elevating the tone with poetic phrasing, intensifying descriptions, or adding metaphorical comparisons. These embellishments reflect Persian literary sensibilities and may enrich the reading experience. Still, from Berman's standpoint, they constitute deviations from the original's stylistic integrity.

Across these tendencies, the study emphasizes that Ansarian's translation remains fundamentally faithful to meaning. His modifications generally seek to clarify and render Qur'anic discourse accessible rather than to reinterpret or reshape it. The use of brackets provides transparency by distinguishing translation from commentary, a practice that supports both scholarly and devotional use.

Conclusion

The research demonstrates that Berman's theory of deforming tendencies is a valuable and effective tool for evaluating translations of the Qur'an, allowing scholars to systematically identify areas where linguistic fidelity, semantic accuracy, or stylistic balance are negotiated. Applied to Hussein Ansarian's translation of Sūrat al-Baqara, the theory reveals that although deforming tendencies do appear—especially expansion and clarification—the translator's overall approach remains strongly source-oriented.

Ansarian consistently prioritizes the transmission of meaning, maintaining close adherence to Qur'anic concepts, and largely avoiding excessive literary ornamentation or interpretive overreach. His rationalizations stem mostly from the structural differences between Arabic and Persian, and his clarifications aim to assist contemporary readers in understanding culturally and theologically complex passages. Expansion—while pervasive—generally reflects pedagogical sensitivity rather than textual distortion. Ennoblement occurs selectively and does not overshadow the primary goal of fidelity to the source.

Ultimately, the study concludes that Ansarian's translation achieves a careful balance between respect for the Qur'anic original and the communicative needs of modern Persian readers. By integrating clarity, accessibility, and textual transparency, his work exemplifies a thoughtful and conscientious approach to Qur'anic translation. At the same time, the application of Berman's model underscores the interpretive challenges inherent in sacred-text translation and highlights the ongoing need for critical frameworks that can account for both linguistic fidelity and reader comprehension.